

از لابلای یادداشت‌ها و نیشته‌های روزمره ام

## عمق اختلافات در مجموعه رهبری و گسترش تشنج در صفوف آیا می‌توان منتظر تشکیل و ایجاد حاکمیت فراگیر در کشور بود؟ به داستان مبدل گردیدن اصل "مبارزه با تروریسم" در کشور

اتهام‌های نسبت داده شده به "طالب"‌ها یا طرفندهای دشمنان؟  
بحث ناتوانی "طالب"‌ها در امر مبارزه با تروریسم در کشور  
ضرورت نبرد علیه لشکر نیابتی خارجی  
چگونگی کسب درآمد جنگجویان

"طالب"‌ها در درون خود در جامعه افغانی با معضلات بیشماری مواجه می‌باشند. وفاق کامل میان هیأت حاکمه اصلن وجود ندارد که در نوع خود، آینده آنها را تیره و تار نشان می‌دهد. پس از بیشتر از یکسال، هنوز هم نتوانسته‌اند بمنظور دولت سازی گام‌های جدی و بلندی بردارند. در ارتباط با جامعه جهانی با عدم رسمیت مواجه می‌باشند. رفتار بین المللی قانونمندی‌های خودش را دارد که دولت‌ها باید بآنها ملزم باشند. بدون توجه و بدون در نظر داشت مناسبات میان این دولت‌ها، نمیتوان بآنها باشند. بدون توجه و بدون در نظر داشت مناسبات میان این دولت‌ها، نمیتوان با جهان وارد گفتگو شد. "طالب"‌ها نه در مجموعه نظام بین المللی جایگاهی بدست آورده و نه الگوی قابل اجماعی در صحنه قدرت، سیاست و حکومت دارد که مورد پذیرش قرار گیرد. در شرایط و وضعیت کنونی، هیچ واقعیتی بروفاق، همگرایی و همبستگی سیاسی از جانب مخالفان "طالب"‌ها بچشم نخورده، بلکه جملگی مبنی بر مقاومت تأکید می‌ورزند. "طالب"‌ها اصلن تغییر نکرده‌اند و مخالفان "طالب"‌ها بر شرایط از قبل اعلام شده پا فشاری می‌نمایند. اعتقاد "طالب"‌ها باینکه "شریعت" مبنای دولت، اقتصاد، روابط اجتماعی، مدنی و سیاست در تمامی ابعاد آن است و نیاز چندانی به قانون اساسی و دیگر قوانین جزایی اصلن موجود نمی‌باشد. فاصله زیادی از جهان بینی "داعش" ندارد. دلیل اساسی تفاوت و حتا خصومت میان این دو گروه در اینست که "طالب"‌ها جنبش ناسیونالیستی و تا حد زیادی قومی است، در حالی که "داعش" یک جنبش جهان‌گرا و بین المللی است که با هدف اسلامی ساختن جهان آنها از طریق احیای خلافت عمل می‌کند.

قبل از طرح مسایل مورد بحث آنها بمفهوم وسیع کلمه، تذکر این مسأله شایان توجه می‌باشد که با وجود تلاش‌های پیهم رهبری "طالب"‌ها بمنظور تأمین ثبات وضعیت سیاسی در داخل کشور، اما فقدان مدیران شایسته، نبود سیاست مدون متعادل داخلی و موجودیت فشارهای همه جانبه جهانی، وضعیت متشنج کنونی بیش از پیش تشدید گردیده و روزتاروز بعمق آن افزوده می‌شود. بی کفایتی برخی از افراد و اشخاص موجود در رهبری "طالب"‌ها که اصلن تصمیم گرفته و قاطعانه مصمم‌اند تا از اصل کنار آمدن با واقعیت‌های سرسخت موجود اباً و رزند که چنین وضعیتی ممکن منجر بفرورپاشی کامل مجموعه "امارت اسلامی افغانستان" گردد. اما در کنار سایر عوامل و موارد عدیدة دیگر، از جمله یکی هم انفعال بیشتر "طالب"‌ها در امر برآورده نمودن خواسته‌های جامعه جهانی در مورد چگونگی ترکیب دولت و ضرورت احترام بحقوق بشر، از جمله دلایلی برای قدرت‌های جهانی بمنظور خودداری از همکاری با "طالب"‌ها بشمار می‌آید. در این مورد، متأسفانه نباید منتظر رفع عواقب بحران بشری در کشور بود که در نوع خود، بر رویدادهای مرتبط با یکدیگر تأثیرگذار می‌باشد. اما قابل یاددهانی پنداشته می‌شود که مدتی قبل، هیبت الله اخندزاده، رهبر "طالب"‌ها در مورد منع کشت، زرع و قاچاق مواد مخدر در کشور، فرماتی را امضا نمود.

اما موجودیت شرایط و وضعیت دشوار اقتصادی و نبود بدیل و سطح نازل درآمد دهقانان کشور، بمشکل بتوان در ملزم مورد تطبیق و اجرای عملی فرمان یادشده مطمئن بود. با وضعیت اینچنینی، زرع و تولید خشخاش همچنان تداوم حاصل نمود. بر بنیاد گزارش های وسایل اطلاعات همگانی خارجی، "طالب" ها، روش های کشت و تولید خشخاش را تغییر داده و در ضمن، توانایی ها و امکانات شان در امر توزیع مواد مخدر را افزایش داده و وسعت بخشیدند. در صورت تداوم فشارهای اقتصادی و امتناع ایالات متحده از آزاد سازی سرمایه های بانک مرکزی کشور، شهروندان میهن عزیز ما باید منتظر بازگشت و عودت رسمی "طالب" ها بروشی باشند که "طالب" ها خود می دانند چگونه کسب درآمد نمایند.

در مورد درگیری هایی که در اراضی متعلق بکشور عزیز ما بوقوع می پیوندد، بایست خاطر نشان گردد که رویاروی بی حاکمیت کنونی "طالب" ها با چندین گروه مقاومت ضد "طالب" نیز محتمل بنظر می رسد. بلی، درگیری های مسلحانه در کشور همچنان ادامه دارد. این و یا آن جناح دیگر، بگونه طبیعی متحمل خساره و زیان های می گردند. اما در واقعیت امر، همه ی این درگیری ها، بگونه محلی و در ساحت کوچک و محدودی انجام می پذیرد. حدوث حوادث اتفاقیه در مجموع اوضاع عمومی سیاسی داخلی کشور، بدون مداخله بازیکنان عمده و مهم خارجی، اصلن اثرگذار نمی باشد.

اما بهیچوجه از شکل گیری و تعمیق روزافزون بحران در اردوگاه "طالب" ها بمفهوم عام کلمه و بویژه تضادهایی میان رهبران آنها نباید چشم پوشی بعمل آید. چه، جمع یاد شده، از خطرات و تهدید های یادشده در عذاب بوده و بگونه تب آلودی در صدد دستیابی به فرص مسکن بمنظور رفع خطر یادشده می باشند. شکل گیری و بروز بحران دیگری میان رهبران "طالب" ها نباید از نظر دورنگهداشته شود و آن اینکه جدا از درگیری با اقلیت های قومی و تباری، "طالب" ها کم از کم به چهار فرکسیون مخالف از هم بگونه زیرانشعاب نموده اند:

- گروهی تحت هدایت هیبت الله اخند زاده، رهبر "طالب" ها؛

- بخش دیگری تحت رهبری ملا برادر، معاون رئیس الوزرا؛

- عده دیگری تحت امر و فرمان سراج الدین حقانی، وزیر سرپرست وزارت امور داخله؛

- و جمعی هم بر رهبری محمد یعقوب، سرپرست وزارت دفاع "طالب" ها.

موجودیت اختلاف نظر ها و ضد و نقیض گویی ها بویژه در سطوح رهبری "طالب" ها، اصلن امکان تشکیل و پایه گذاری حاکمیت فراگیر با سهمگیری و شرکت سایر گروه های غیر پبنتون را از میان برده و تداوم عدم توافق اقوام و گروه های انتیکی مختلف کشور به یقین کامل که در درازمدت، وضعیت کشور را بیش از پیش بی ثبات خواهد نمود. در مورد گسترش و وسعت حضور "دولت اسلامی" شایان تذکر پنداشته می شود که در مجموع، تعمیق و ریشه گیری بحران اجتماعی - اقتصادی و موجودیت زمینه های شکل گیری آشوب در کشور، بیش از هر زمان دیگر، شرایط و وضعیت را بمنظور شکل گیری و ظهور "ولایت خراسان" بمنابۀ شعبه افغانی "دولت اسلامی" مهیا و فراهم می نماید.

نباید فراموش خاطر ما گردد که پس از بقدرت رسیدن "طالب" ها، برای جنگجویان "دولت اسلامی" این فرصت مساعد گردید تا با استفاده از وضعیت آشفته و درهم و برهم، در برخی از مناطق و محلات کشور وارد میدان شده و اعلام موجودیت نمایند. در کنار سایر عوامل موجود، وضعیت دشوار اقتصادی، اسباب نفرت و انزجار بسیاری از شهروندان کشور را در قبال عملکردهای "طالب" ها بیار آورد. اقدامات و بویژه نحوه طرز دید و نگاه "طالب" ها در قبال سیاست ملی و تفوق یک قوم و یک ملیت بر سایر ملیت ها و اقوام موجود در کشور، این فرصت را برای تروریست ها مهیا نمود تا بیش از هر زمان دیگر به تقویت و تحکیم صفوف شان مبادرت ورزند.

"ولایت خراسان" تلاش می ورزد تا به دول کشورهای همجوار افغانستان واضح نماید که "طالب" ها قادر به تأمین امنیت شهروندان کشور نبوده و از نظارت و کنترول آنچه را که در "زیربینی" آنها می گذرد، عاجز بوده و از تاکتیک هایی که بکار می بندند، صرف بههدف ایجاد وحشت و ترس و هراس در مناطق مرزی افغانستان پاکشورهای همجوار می باشد.

بایست یادآور شد که انجام حملات جسته و گریخته در تاجیکستان و ازبکستان و اجرای اقدامات تروریستی علیه شیعیان، بگونه دوفاکتو بمنظور دستیابی باهداف یادشده و علیه منافع ایران پنداشته می شود. اما در مورد بایست خاطر نشان گردد که چه کسانی از ردیابی های انگلوساکسون ها سود می برند؟

این مسأله نیز قابل یاددهانی و تذکر پنداشته می شود که در زمینه رویدادهای پسین بویژه در منطقه آسیای میانه،

انگلساکسون ها بارها در مورد تمایل و علاقمندی بمنظور بازگشت بایفای نقش های اصلی صحبت نموده اند. چنین ابراز نظرهایی نیز وجود دارد که کشورهای افغانستان و پاکستان در تمایل جمعی به غرب آنهم بمنظور احیای مجدد درگیری های قدیمی و تاریخی، بویژه در دولت های پسا شوروی مصروف چانه زنی می باشند. وقایع اتفاقیه در قزاقستان، استیضاح عمران خان در پاکستان، گردهمایی ها و تجمعات اعتراضی در تاجیکستان و ازبکستان، همه اینها، بمتابۀ بخش هایی از "بازی بزرگ" پنداشته شده که عمدتاً بمنظور ایجاد تشنج در جنوب آسیا در حال نضج و شکل گیری می باشد.

"طالب" ها سال های سال است که در توجیه حضور مسلحانه و هماهنگ نظامیان امریکایی و ناتو بمنظور دنبال نمودن منافع خویش، از جمله قاچاق و انتقال سلاح و تجهیزات حربی به گروه های جدایی طلب ایغور و کشمیر و صدور غیرقانونی مواد مخدر باروپا تلاش می ورزند. همین اکنون دیگ هرج و مرج در کشور ما، بدلیل موقعیت جغرافیایی آن بمنظور ایجاد و شکل گیری تشنج بویژه در روسیه، کشورهای پسا شوروی، هند، ایران و چین در حال غلیان می باشد. اما تحمیل شرایط، حتا برای امریکایی ها و انگلیس ها بمنظور سروسامان دادن درگیری های مسلحانه و ایجاد تنش، مطلوب و مفید نبوده و لازمی بنظر نمی رسد. در نتیجه، رهبری کشورهای همجوار افغانستان ناگزیر به صرف منابع وسیعی بمنظور حفظ ثبات در منطقه پنداشته می شوند.

قابل یاددہانی پنداشته می شود که سطح تشنج و بگونه کلی اصل بی ثباتی در کشور افزایش حاصل خواهد نمود. بدین ترتیب، شهروندان این ویا آن کشور در قبال اثرگذاری و تأثیرات خارجی ها بگونه ایی انعطاف پذیرتر خواهند بود. نباید فراموش نمود که بویژه پس از بقدرت رسیدن "طالب" ها می توان از حوادث اتفاقیه در کشورهای پسا شوروی، بگونه وسیعی نامبرد.

بخاطر ما باشد کاستراتیژی ایالات متحده و کشورهای غربی بر بنیاد مبارزه بلند مدت با نفوذ فزاینده روسیه و چین در آسیا قرار دارد. فراخواندن نظامیان خارجی از اراضی متعلق بکشور ما، بخودی خود بمتابۀ آغاز مخالفت یادشده پنداشته می شود.

از نقطه نظر و طرز نگاه غرب، "طالب" ها بمتابۀ ابزار مناسبی بمنظور اجرای عملی طرح هایی بهدف متزلزل نمودن و ایجاد تشنج در حوزه های نفوذ سنتی فدراسیون روسیه و کشور چین بشمار می آیند. اما جهان بینی منسو خ شده آنها نه تنها افغانستان، بلکه کل منطقه را در ورطه ای از هرج مرج فرو خواهد برد.

خاطرنشان می گردد که در صورت عدم تغییرات فوری و لازمی، حوادث و اتفاقات غیر قابل پیشبینی تکوین خواهد پذیرفت. بر بنیاد گزارش های منابع خبری، جنگجویان "داعش" با تیراندازی هایی در سرزمین و اراضی متعلق به ازبکستان و تاجیکستان در صدد ایجاد و پایه گذاری "ترکستان جنوبی" تلاش ورزیده و "جنبش طالب های تاجیکستان" بزنک خطری برای آسیای مرکزی مبدل گردیده و روز تا روز مخالفان و مدعیان حاکمیت کنونی در کشور یادشده بگونه نامحسوسی وارد میدان گردیده و اما این فقط و فقط آغاز کار محسوب می گردد.

دولت ترکیه بهدایت بریتانیا و بر بنیاد برخی دلایلی، از "طالب" ها پشتیبانی بعمل آورد. بگونه مشخص در کشور عزیز ما افغانستان، تطبیق و اجرای عملی مفکوره تشکیل و شکل گیری "توران بزرگ" متشکل از مجموعه بخش های اندکتر آموزش دیده رادیکال و نماینده های شهروندان ترک تبار در شمال کشور، آغاز گردید. اما در اینجا از اصل استقرار اوضاع در آسیای مرکزی سخنی در میان نمی باشد. در کشور عزیز ما افغانستان، دیر یازود، مجددن درگیری های مسلحانه شعله ور خواهد گردید. اما در اینمورد پرسشی باین شرح مطرح میگردد که به چه معیاری در مورد یاد شده آمادگی های لازمی موجود می باشد و آیا کشورهای مربوطه آماده چنین کاری می باشند؟ آیا سیر بعدی حوادث پاسخگوی همه پرسش های موجود خواهد بود؟ آیا می توان بگونه منفعل ناظر اوضاع و چگونگی سیر حوادث بود؟

پاسخ در مورد، منفی می باشد.

شنبه ۲۳ ماه میزان سال ۱۴۰۱ خورشیدی برابر با ۱۵ ماه اکتوبر سال ۲۰۲۲ ترسای